

بروزترین و برترین  
سایت کنکوری کشور

[WWW.KONKUR.INFO](http://WWW.KONKUR.INFO)

**K**onkur  
**.info**

<https://konkur.info>

## 📖 قواعد درس اول: «الدين والتدين»

۳) لای نفی جنس

۲) حروف مشبّهة بالفعل

۱) افعال ناقصه

❖ نواسخ در زبان عربی:

۱) افعال ناقصه: در درس هفتم عربی یازدهم، به صورت کامل با افعال ناقصه آشنا شدیم. اکنون به توضیح دو مورد دیگر می‌پردازیم:

📌 نکته ۱: حروف در زبان عربی دو دسته اند:

۱) حروف عامل: حرفی که روی کلمه بعد از خود، از نظر اعراب، تغییر ایجاد می‌کند؛ حروف جرّ - حروف ناصبه - حروف جازمه - حرف لای نفی جنس و ...

۲) حروف غیر عامل: حرفی که بر روی کلمه بعد از خود، هیچ تغییری در ظاهر کلمه ایجاد نمی‌کند؛ حرف لای نفی - حرف ال - حروف مستقبل و ...

۲) حروف مشبّهة بالفعل: این حروف عبارتند از: «إِنَّ قطعاً - به راستی که - همانا» - «أَنَّ که» - «كَأَنَّ گویی - مثل اینکه» - «لَكِنَّ ولی - اما»

- «لَيْتَ: ای کاش» - «لَعَلَّ: شاید - امید است - باشد که»، این حروف «مشبّهة بالفعل» نیز بر «جملة اسمیة» می‌آیند:

و «مبتدا» را به عنوان «اسم خود» با علامت «منصوب» ( مَنْ / تَيْنِ / يْنِ )

و «خبر» را به عنوان «خبر خود» بدون تغییر (مرفوع) ( مَنْ / تَانِ / وَنَ ) قرار می‌دهند. مثال:

- إِنَّ + الله علیم ← إِنَّ اللهَ علیم! : ( الله: اسم إِنَّ و منصوب / علیم: خبر إِنَّ و مرفوع )

- لَيْتَ + المُسلمون مُتحدون ← لَيْتَ المُسلمین مُتحدون! : ( المُسلمین: اسم لَيْتَ و منصوب به ي / مُتحدون: خبر لَيْتَ و مرفوع به واو )

- لَعَلَّ + الإنسان یتذکر أعماله ← لَعَلَّ الإنسان یتذکر أعماله! : ( الإنسان: اسم لَعَلَّ و منصوب / یتذکر: خبر لَعَلَّ از نوع فعلیّه )

### ☑️ الف) انواع اسم حروف مشبّهة بالفعل:

۱) اسم ظاهر: مثال: - إِنَّ الإسلامَ دینُ العبادَة! : ( الإسلامَ: اسم إِنَّ، از نوع اسم ظاهر )

- لَعَلَّ هذا التلمیذ الضعیف یتقدّم فی دروسه! : ( هذا: اسم إِنَّ، از نوع اسم ظاهر )

۲) فقط «ضمیر بارز»: هرگاه «حروف مشبّهة بالفعل» بر سر ضمایر «هـ - هُما - هُم - ها - هُما - هُنَّ - ك - كما - كُم - ك و ... می‌سازند»

بیایند، نقش این ضمایر «اسم حروف مشبّهة بالفعل» محسوب می‌شوند. مثال:

- إِنَّكَ مرتدّد فی عملک! : ( اسم حروف مشبّهة بالفعل ضمیر بارز «ك» )

- لَعَلَّهُم یتذکرون! : ( اسم حروف مشبّهة بالفعل ضمیر بارز «هُم» )

- إِنَّكُمْ طالبون! : ( اسم حروف مشبّهة بالفعل ضمیر بارز «كُم» )

### ☑️ ب) انواع خبر حروف مشبّهة بالفعل:

«خبر حروف مشبّهة بالفعل»: قواعد و احکام خبر این حروف دقیقاً مانند خبر برای «مبتدا» می‌باشد (انواع خبر و نکته‌ها و شرایط تقدّم و اعراب آن و ...)

۱) خبر مفرد: ( تک اسمی ) : یعنی خبر «حروف مشبّهة بالفعل» یک «تک اسم» باشد. مثال:

- إِنَّ الآخلاقَ الفاضلة زینة العقلاء دائماً! : ( زینة: خبر إِنَّ، از نوع «مفرد» )

۲) خبر از نوع جمله فعلیّه: هرگاه یک فعل به همراه فاعل خود خبر برای حروف مشبّهة بالفعل باشد به آن «خبر از نوع فعلیّه» گفته می‌شود. مثال:

- لَعَلَّ هذین التلمیذین یساعدان معلمهما فی الصّف! : ( یساعدان: خبر لَعَلَّ، از نوع فعلیّه )

- إِنَّ العاقل یعتبر لنفسه مِن تجارب الآخرین! : ( یعتبر: خبر إِنَّ، از نوع فعلیّه )

۳) خبر از نوع شبه جمله: هرگاه یک ترکیب «جار و مجرور» یا «ظرف زمان یا مکان» خبر برای «حروف مشبّهة بالفعل» باشد، به آن ترکیب یا ظروف،

«خبر از نوع شبه جمله» گفته می‌شود. مثال: - إِنَّ تعظیم شعائر الله مِن تقوی القلوب! : ( مِن تقوی: خبر إِنَّ، از نوع شبه جمله )

- إِنَّ فی کُل سطر جملة مفیده! : ( فی کُل: خبر إِنَّ، خبر از نوع شبه جمله )

## توضیحاتی تکمیلی در مورد حروف مشبّهة بالفعل :

۱) « **إِنْ** » : برای تأکید کردن جمله بعد از خود به کار می‌رود و به معنای « **همانا ، قطعاً ، به درستی که ، بی گمان** » می‌باشد. مثال :  
- ﴿... إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ﴾ : ... **بی گمان** خدا پاداش نیکوکاران را تباه نمی‌کند.

اگر حرف مشبّهة « **إِنْ** » در جمله ترجمه نشود، اشکالی به وجود نمی‌آید. مثال :

- **إِنَّ** اللَّهُ قَدْ أَعْطَى الْإِنْسَانَ كَثِيرًا مِّنَ النَّعْمِ : خداوند بسیاری از نعمتها را به انسان عطا کرده است. ( )

۲) « **أَنْ** » : به معنای « **که** » می‌باشد و دو جمله را به یکدیگر متصل می‌نماید. مثال :

- يَرَى الْكَافِرُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَنَّ أَعْمَالَهُ السَّيِّئَةَ تَشْهَدُ عَلَيْهِ : کافر روز قیامت می‌بیند **که** اعمال بدش علیه او شهادت می‌دهند.

۳) « **كَأَنَّ** » : به معنای « **گویی - مثل اینکه - مانند** » می‌باشد. مثال :

- **كَأَنَّ** إِرْضَاءَ النَّاسِ غَايَةٌ لَا تُدْرِكُ : **گویی** خشنود ساختن مردم هدفی است که به دست نمی‌آید.

- هذه الغزاة **كَأَنَّهَا** إِنْسَانٌ شَاعِرٌ تُدْرِكُ جَمَالَ اللَّيْلِ : این آهو **مانند** انسانی شاعر است که زیبایی شب را درک می‌نماید. ( )

۴) « **لَكِنَّ** » : به معنای « **ولی - اما** » می‌باشد، و برای کامل کردن پیام و برطرف کردن ابهام جمله قبل از خود به کار می‌رود. مثال :

- ﴿... إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ﴾ : **بی گمان** خدا دارای بخشش بر مردم است **ولی** بیشتر مردم سپاسگزاری نمی‌کنند.

۵) « **لَعَلَّ** » : به معنای « **شاید - امید است** » می‌باشد. مثال :

- **لَعَلَّ** هُمْ يَتَفَكَّرُونَ : **شاید** آنها فکر کنند.

- ﴿إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾ : **بی گمان** ما قرآن را به زبان قرار دادیم، **شاید ( امید است )** شما خرد ورزی کنید.

۶) « **لَيْتَ** » : به معنای « **کاش** » بوده و برای **آرزو کردن** به کار می‌رود. و به صورت « **يا لَيْتَ ؛ اي كاش** » هم استفاده می‌شود.

- **لَيْتَ** الْإِنْسَانَ يَتَأَمَّلُ فِي جَمِيعِ الْكَائِنَاتِ الْمَسْخَرَةِ لَهُ ! : **کاش** انسان در تمام موجودات که برای او مسخر شده دقت نماید !

- ﴿وَيَقُولُ الْكَافِرُ **يَا لَيْتَنِي** كُنْتُ تُرَابًا﴾ : ﴿و کافر می‌گوید : **ای کاش** من خاک بودم﴾

## نکاتی پیرامون حروف مشبّهة بالفعل :

نکته ۲ : اگر خبر « **لَعَلَّ** و **لَيْتَ** » « **یک فعل مضارع** » باشد، باید به صورت « **مضارع التزامی** » ترجمه شود. مثال :

- لَيْتَ الْمُسْلِمِينَ يَسْتَيْقِظُونَ مِنَ النَّوْمِ الْغَفْلَةِ : شاید مسلمانان از خواب غفلت **بیدار شوند** !

- **لَعَلَّ** هُمْ يَتَفَكَّرُونَ : شاید آنها **فکر کنند** !

حال اگر « **خبر حروف مشبّهة بالفعل** » « **یک فعل ماضی** » باشد، می‌توان آن را به صورت « **ماضی استمراری** » یا « **ماضی بعید** » ترجمه کرد. مثال :

- لَيْتَ الطَّالِبِ **اِبْتَعَدَ** عَنِ الْكَسَلِ ! : کاش دانش آموز از تنبلی **دوری می‌کرد** ! ( **کرده بود** )

نکته ۳ : به ترجمه‌ی دو حرف مشبّهة ی « **لَيْتَ ؛ كاش** » و « **لَعَلَّ ؛ شاید - امید است** » ، خوب دقت کنیم که در عبارات جا به جا ترجمه نشوند. مثال :

- ﴿إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾ : **بی گمان** ما قرآن را به زبان قرار دادیم، **کاش** شما خرد ورزی کنید ! ← **شاید ( امید است )**

نکته ۴ : راه تشخیص « دو حرف مشبّهة بالفعل **إِنْ و أَنْ** » با « **إِنْ** شرطیه » و « **أَنْ** ناصبه » :

۱) « **إِنْ** » : **قبل از اسم** و در **ابتدای جمله** دیده می‌شود : - **إِنْ** الْمَوَادَّ الْغِذَائِيَّةُ تَوْثُرُ فِي قَدْرَةِ الْجِسْمِ وَالْعَقْلِ !

۲) « **أَنْ** » : **قبل از اسم** و در **داخل جمله** می‌آید. - يَرَى الْكَافِرُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَنَّ أَعْمَالَهُ السَّيِّئَةَ تَشْهَدُ عَلَيْهِ !

۳) « **إِنْ** شرطیه » : قبل از « **فعل شرط** » می‌آید و همواره شروع کننده‌ی جمله است : - **إِنْ** تَنَصَّرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ !

۴) « **أَنْ** ناصبه » : همواره قبل از فعل مضارع و در داخل جمله می‌آید. - أَمَرَ اللَّهُ الْإِنْسَانَ أَنْ يَنْتَفِعَ بِالنَّعْمِ الْإِلَهِيَّةِ !

📌 نکته ۵: «**ما**» **كافه**: اگر این حرف (ما) به **حروف مشبّهة** بالفعل «**إن** و **أن**» متصل شوند، عمل حروف مشبّهة را ساقط می‌کنند. (از بین می‌برند) یعنی جمله معمولی بوده و دارای «**مبتدا** و **خبر**» می‌باشد. در ضمن «**إنما**» به صورت «**تنها - فقط**» ترجمه می‌شود که به آن «**حصر**» گفته می‌شود.

مثال ۱: **إنما** المؤمنون إخوة! : **تنها** مؤمنان با یکدیگر برادرند. ( **إنما**: ابزار **حصر** / المؤمنون: مبتدا / إخوة: خبر )

مثال ۲: **إنما** أساس التوحيد وحدانية الله! : **فقط** اساس توحيد يگانگی خداوند است! ( **إنما**: ابزار **حصر** / أساس: مبتدا / وحدانية: خبر )

📌 نکته ۶: اگر بخواهیم جملاتی را که با ضمائر «**منفصل مرفوعی**: **هُوَ - هُما - هُم - و ... أنا - نحن**» شروع شده را با **حروف مشبّهة** بالفعل تغییر دهیم،

این ضمائر منفصل را به ضمیر متصل‌شان تبدیل می‌کنیم و به «**حروف مشبّهة بالفعل**» متصل می‌کنیم. که در اینصورت اسم این حروف از نوع «**ضمیر بارز**» می‌باشد. مثال: - **إنَّ + أنتم** + طالبون ← **إنکم** طالبون! : ( **ضمیر کُم**: اسم **إن** / طالبون: خبر **إن** )

- **إنَّ + أنا** + فائز ← **إنسی** فائز! : ( **ضمیر ی**: اسم **إن** / فائز: خبر **إن** )

📌 نکته ۷: «**حروف مشبّهة بالفعل**» چون اعراب «**مبتدا**» را تغییر می‌دهند، جزو «**حروف عامل (عامل نصب)**» محسوب می‌شوند.

## ✅✅ انواع «لا» در زبان عربی:

### (الف) حروف «لا» غیر عامل:

① «**لا**» به معنای «**نه**»؛ که در پاسخ به «**هل - أ (آیا)**» می‌آید. مثال:

- هل أنت تسكن في مدينة أصفهان؟ **لا**، أنا أسكن في مدينة طهران! : آیا تو در شهر اصفهان زندگی می‌کنی؟ **نه** من در شهر تهران زندگی می‌کنم!

② «**لا ی نفی**»: این حرف قبل از ۱۴ صیغه فعل مضارع می‌آید. در آخر فعل هیچ تغییری ایجاد نمی‌کند و فقط فعل مورد نظر را منفی می‌کند. مثال:

- الآباء لا یصرخون علی الأبناء الصغار! : پدران بر فرزندان کوچک خود فریاد نمی‌زنند!

③ «**لا ی عطف**»: داخل جمله می‌آید و به معنای «**نه**» می‌باشد و کلمه‌ی بعد از «**لا**» از نظر محلّ اعرابی و نقش تابع کلمه‌ی قبل از «**لا**» می‌باشد که به آن «**معطوف**» می‌گویند. مثال:

- أتمت جالسوا العشاء لا الجهلاء! : ( **لا** حرف عطف / الجهلاء: معطوف )

### (ب) حروف «لا» عامل:

① «**لا نهی**»: بر سر «**۱۴ صیغه فعل مضارع**» می‌آید و آخر فعل را «**مجزوم**» می‌کند: - لا تکتب - لا تکتبوا

② «**۶ صیغه مخاطب**» را به صورت «**نهی**» و «**۶ صیغه غائب و ۲ صیغه متکلم**» را به صورت «**نباید + مضارع التزامی**» ترجمه می‌کنیم. مثال:

- أنت لا تکتب: تو ننویس - أنتم لا تکتبوا: شما ننویسید - هما لا یکتبا: آنها نباید بنویسند - نحن لا نکتب: ما نباید بنویسیم

② «**لا نفی جنس**»: فرمول: **لا نفی جنس + مبتدا + خبر** ← **لا + اسم لا نفی جنس (همواره حرکت -)** + **خبر لا نفی جنس (مرفوع)**

① همواره بر سر جمله «**اسمیّه**» می‌آید و **مبتدا** را «**اسم خود**» و **خبر** را «**خبر خود**» قرار می‌دهد.

② بلافاصله بعد از «**لا نفی جنس**»، «**اسم آن**» می‌آید. (یعنی هیچ فاصله‌ای بین **لا نفی جنس** و **اسم آن** وجود ندارد)

③ «**لا نفی جنس**» به معنای «**هیچ ... نیست**» می‌باشد.

④ «**اسم لا نفی جنس**» همواره: **بدون ال - بدون تنوین** و علامت آن همیشه «**فتحه -**» است.

⑤ «**اسم لا نفی جنس**» هیچگاه به صورت «**مثنی و جمع**» نمی‌آید و همیشه یک اسم «**مفرد**» است.

⑥ هیچگاه «**خبر لا نفی جنس**» بر «**اسم خود**» مقدم نمی‌آید.

⑦ هیچگاه «**اسم لا نفی جنس**» «**یک اسم معرفه**» نمی‌باشد، و اگر «**مضاف الیه**» داشته باشد باید «**یک اسم نکره**» باشد. مثال:

- لا شیء أنفع من العقل! : هیچ چیزی سودمندتر از عقل نیست. - لا معبود غیر الله! : هیچ معبودی غیر از خدا نیست.

📌 نکته ۸: فعل ناقصه «**لیس**» به معنای «**نیست**» بوده و «**لا نفی جنس**» به معنای «**هیچ ... نیست**» می‌باشد.

لغات و کلمات درس اول ( به ترتیب لغات موجود در دروس ) «\*\*\*\*\*»

- (۱) تَدَيُّنٌ : دینداری ( مصدر باب « تَفَعَّلُ » )  
 (۲) أَقِيمُ : به پا دار ( فعل أمر از « أَقَامَ » / أَقَامَ / يُقِيمُ )  
 (۳) أَقِمِ وَجْهَكَ : روی بیاور  
 (۴) الْحَنِيفُ : یکتا پرست  
 (۵) لَا تَكُونَنَّ : هرگز نباش ( لَا تَكُنْ ( نهی از « كَان - يَكُونُ » ) + نَ ( تاکید ) )  
 (۶) شُعُوبٌ : مِلَّتْهَا ( جمع : الشَّعْبُ )  
 (۷) اِكْتَشَفَ : کشف کرد ( مضارع : يَكْتَشِفُ / أمر : اِكْتَشِفْ / مصدر : اِكْتِشَافُ )  
 (۸) الْحَضَارَاتُ : تمدن‌ها ( الحضارة : تمدن )  
 (۹) النَّقُوشُ : کنده کاری‌ها، نگاره‌ها ( مفرد : نَقْشُ )  
 (۱۰) يُوَكِّدُ : تأکید می‌کند ( ماضی : أَكَّدَ / أمر : أَكِّدْ / مصدر : تَأَكَّدُ )  
 (۱۱) يَدُلُّ : دلالت می‌کند ( دَلَّ : دلالت کرد )  
 (۱۲) الشَّعَائِرُ : مراسم‌ها، شعارها ( مفرد : شِعَارٌ )  
 (۱۳) الْقَرَابِينُ : قربانی‌ها ( جمع : قُرْبَانٌ )  
 (۱۴) تَجَنَّبَ : دوری کردن ( مصدر : تَجَنَّبَ / يَتَجَنَّبُ )  
 (۱۵) السُّدَى : باطل، بیهوده، بی‌هدف  
 (۱۶) يَبِينُ : آشکار می‌سازد ( ماضی : بَيَّنَّ / أمر : بَيِّنْ / مصدر : تَبَيَّنَ )  
 (۱۷) حَدَّثَ : صحبت کرد ( مضارع : يُحَدِّثُ / أمر : حَدِّثْ / مصدر : تَحَدَّثَ )  
 (۱۸) السَّيْرَةُ : روش، شیوه زندگی  
 (۱۹) الصَّرَاعُ : مبارزه، کشمکش ( مصدر از فعل « صَارَعَ - يُصَارِعُ » )  
 (۲۰) الأَصْنَامُ : بت‌ها ( مفرد : صَنَمٌ )  
 (۲۱) الفِئَاسُ : تبر  
 (۲۲) كَسَرَ : شکست ( مضارع : يُكْسِرُ / أمر : كَسِّرْ / مصدر : تَكْسِيرٌ )  
 (۲۳) عَلَّقَ : آویزان کرد ( مضارع : يُعَلِّقُ / أمر : عَلِّقْ / مصدر : تَعَلَّقَ )  
 (۲۴) الكَفِّ : کتف، شانه ( جمع : أَكْتافٌ )  
 (۲۵) مُكْسَرَةٌ : شکسته شده ( اسم مفعول )  
 (۲۶) ظَنُّوا : گمان کردند ( مضارع : يَظُنُّ )  
 (۲۷) أَحْضَرَ : حاضر کرد، آماده کرد ( مضارع : يُحْضِرُ / أمر : أَحْضِرْ / إْحْضَارٌ )  
 (۲۸) آلهة : خدایان ( مفرد : الهه )  
 (۲۹) بَدَّوْا يَتَهَامِسُونَ : شروع به پیچ پیچ کردند  
 (۳۰) حَرَّقُوا : بسوزانید ( ماضی : حَرَّقَ / مضارع : يُحَرِّقُ / مصدر : تَحْرِيقٌ )  
 (۳۱) قَدَّفُوا : انداختند ( ماضی : قَدَّفَ / مضارع : يَقْدِفُ / أمر : اِقْدِفْ )  
 (۳۲) إِنَّ : قطعاً، به درستی که، همانا، بی‌گمان  
 (۳۳) أَنْ : که  
 (۳۴) كَأَنَّ : گویی، مثل، مانند  
 (۳۵) لَعَلَّ : شاید، امید است
- (۳۶) لَيْتَ : ای کاش  
 (۳۷) الغاية : هدف  
 (۳۸) لَا تَدْرِكُ : درک نمی‌شود ( فعل مجهول )  
 (۳۹) البعث : رستاخیز، برانگیختن  
 (۴۰) بُيَانٌ مَرْصُوصٌ : ساختمان استوار  
 (۴۱) ما يَلِي : آنچه می‌آید  
 (۴۲) حَمَلَ : تحمیل کرد ( مضارع : يُحْمَلُ / أمر : حَمَلْ / مصدر : تَحْمِيلٌ )  
 (۴۳) يَقَعُ : قرار می‌دهد ( ماضی : وَقَعَ / أمر : قَعْ )  
 (۴۴) بَدَّوْا يَتَكَلَّمُونَ : شروع به صحبت کردند.  
 (۴۵) قِيلَ : گفته شد ( فعل مجهول « قال » )  
 (۴۶) الْمَسُوبُ : نسبت داده شده  
 (۴۷) الْفَاخِرُ : افتخار کننده  
 (۴۸) النَّسَبُ : دودمان ، نَسَبٌ  
 (۴۹) تَرَاهُمْ : ( تَرَى + هُمْ ) آنها را میبینی  
 (۵۰) سَوَى : به جُزْ  
 (۵۱) الْعَظْمُ : استخوان  
 (۵۲) الْعَصَبُ : پی  
 (۵۳) دَاءٌ : بیماری  
 (۵۴) مَفْسَدَةٌ : مایه تباهی  
 (۵۵) الأَنْشُودَةُ : سرود ( جمع : الأناشيد )  
 (۵۶) الْمُجِيبُ : اجابت کننده، پاسخ دهنده، برآورنده  
 (۵۷) الإِنْشِرَاحُ : شادمانی  
 (۵۸) أَعْنَى : ( أَعِنَّ + نون و قایه + ی ) مرا یاری کن ( أَعَانَ / يُعِينُ )  
 (۵۹) أُنِرُ : روشن کن ( أُنَارَ / يُنِيرُ / إِنْارَةٌ )  
 (۶۰) الحَطَّ : بخت، شانسی ( جمع : الحُطُوظُ )  
 (۶۱) السَّلَامُ : آشتی، صلح  
 (۶۲) إِحْمَى : ( إِحْمَ + نون + ی ) : از من نگهداری کن ( حَمَى / يَحْمَى )  
 (۶۳) السَّجْنُ : زندان ( جمع : سُجُونٌ )  
 (۶۴) المُدَوِّتَةُ : وبلاگ  
 (۶۵) العافیة : سلامتی  
 (۶۶) الحوادث : پیش آمدهای بد

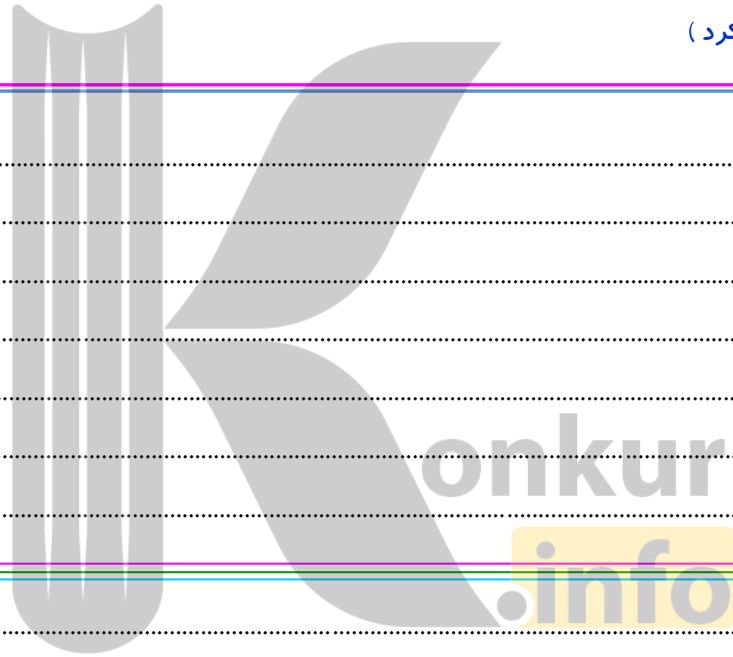
\*\*\*\*\* « کلمات مترادف درس اول » \*\*\*\*\*

- |  |   |   |
|--|---|---|
| (۱) أَنَارَ = أضاء ( روشن کرد )          | (۶) حَنِيفٌ = مُوَحَّدٌ ( یکتا پرست )         | (۱۱) حَدَّثَ = كَلَّمَ ( صحبت کرد )         |
| (۲) أَعَانَ = سَاعَدَ ( کمک کرد )        | (۷) حَرَّقَ = أَشْعَلَ ( سوزاند )             | (۱۲) سَعَى = أَسْرَعَ = عَجَّلَ ( شتافت )   |
| (۳) الْإِنْشِرَاحَ = السَّرُورَ ( شادی ) | (۸) دَاءٌ = مَرَضٌ ( بیماری )                 | (۱۳) الْعَافِيَةَ = السَّلَامَةَ ( سلامتی ) |
| (۴) الْبَعَثَ = الْقِيَامَةَ ( رستاخیز ) | (۹) سُدَى = عَبَثٌ ( بیهوده، باطل )           | (۱۴) قَذَفَ = رَمَى ( پرتاب کرد، انداخت )   |
| (۵) تَجَنَّبَ = ابْتَعَادَ ( دوری کردن ) | (۱۰) صِرَاعٌ = كِفَاحٌ ( نِزَاعٌ ) ( مبارزه ) | (۱۵) مَرَضُوعٌ = سَدِيدٌ ( محکم )           |

\*\*\*\*\* « کلمات متضاد درس اول » \*\*\*\*\*

- |  |
|--|
| (۱) تَجَنَّبَ ( دوری کردن ) ≠ تَقَرَّبَ ( نزدیک شدن )            |
| (۲) صِرَاعٌ ( کشمکش ) ≠ سِلْمٌ ( آرامش )                         |
| (۳) الْحَنِيفُ ( یکتا پرست ) ≠ الْمُشْرِكُ ( مُشْرِكٌ ) ( مشرک ) |
| (۴) دَاءٌ ( بیماری ) ≠ شِفَاءٌ ( درمان )                         |
| (۵) حَرَّقَ ( سوزاند ) ≠ أَطْفَأَ ( خاموش کرد )                  |

محل یادداشت نکات 



بروزترین و برترین  
سایت کنکوری کشور

[WWW.KONKUR.INFO](http://WWW.KONKUR.INFO)

**K**onkur  
**.info**

<https://konkur.info>